

# چهرهٔ سرمدی جهان قصه‌گویی

مروری بر احوال،

آثار و افکار

هانس کریستیان آندرسن

نویسنده و مترجم: یوسف فرخ



مرگ پدر و زندگی فلاکت‌بار خواهر، او را با فقر و رنج و تنهایی آشنا کرد. در کودکی، مدت کمی در مدرسهٔ یتیمان و بینوایان به تحصیل مشغول شد، ولی از مدرسهٔ بیزار بود و از آن‌جایی که بسیار حساس و عاطفی بود و از تحقیر و توهین وحشت داشت، مدرسه را رها کرد. با وجود این، با همان اندک سوادى که داشت، مطالعه را هیچ‌وقت رها نکرد. او گاهی دچار حمله‌های عصبی و گرفتگی عضلات می‌شد که بسیاری به اشتباه، آن را حمله‌های صرعى و غش می‌پنداشتند. مدتی ناچار شد کار کند. شاگرد بافندگی و خیاطی شد و بعد هم در کارخانهٔ توتون‌سازی مشغول گشت.

در تمام این احوال، مادر او را تشویق می‌کرد تا «قصه‌های پسران»<sup>(۶)</sup> خود را تنظیم کند و نمایش‌های تأثر عروسکی (خیمه‌شب‌بازی

هانس کریستیان آندرسن (به زبان دانمارکی آنرسن)، نمایش‌نامه‌نویس، شاعر، رمان‌نویس، داستان‌پرداز و نویسندهٔ محبوب دانمارکی، بزرگ‌ترین «داستان‌گوی کودکان»<sup>(۱)</sup> است. او در دوم آوریل سال ۱۸۰۵ میلادی، در کلیهٔ محقری در «اودنسه»<sup>(۲)</sup>، واقع در جزیرهٔ «فین / فیون»<sup>(۳)</sup> متولد شد. پدرش کفاشی تهی‌دست و علیل و رنجور، ولی زحمت‌کش، با فرهنگ و باسواد و مادرش، زن ساده، خشن و بی‌سواد رخت‌شویی بود. همین مادر بی‌سواد و خرافاتی، اولین کسی بود که درهای جهان «ادبیات قومی و شفاهی و عامیانه»<sup>(۴)</sup> را به سوی او گشود.

پدر آندرسن در سال ۱۸۱۶، هنگامی که او یازده سال بیش‌تر نداشت، در جوانی درگذشت. «خواهر ناتنی»<sup>(۵)</sup> او مدتی به ولگردی پرداخت.

«این عنوان - شاعری - به درونم، جانم و روحم نفوذ کرد و اشک، دیدگانم را پر کرد. می دانستم که از همان لحظه، ذهنم بیدار شده تا بنویسم و شعر بگویم.»

بعد شروع به نوشتن نمایش نامه‌هایی کرد که تمام آن‌ها رد شد، ولی بالاخره در همان «تأثر سلطنتی» توانسته بود حمایت و پشتیبانی هنری و دوستی درازمدت یوناس کولین<sup>(۱۴)</sup> یکی از مدیران تأثر را به دست آورد. سپس مشوقان و دوستان سخاوتمندی به یاری او شتافتند و با کمک آن‌ها، به مدت سه سال از «بورسیه»<sup>(۱۵)</sup> استفاده کرد. یوناس کولین که مدیر و یکی از مقامات مؤثر حکومت بود، این کمک هزینه تحصیلی را برای آندرسن فراهم کرد. البته خود پادشاه «فردریک ششم»<sup>(۱۶)</sup> هم به این پسر بچه ناشناس و عجیب علاقه‌مند شده بود.

در سال ۱۸۲۲ و در هفده سالگی، او را به عنوان «شخص دست پرورده دولت»<sup>(۱۷)</sup> با «هزینه دولتی»<sup>(۱۸)</sup>، چند سال به «دبیرستان دولتی»<sup>(۱۹)</sup>، واقع در «اسلاگلسه»<sup>(۲۰)</sup> فرستادند تا آموزش ببیند. وی در اتاقی در مدرسه زندگی می‌کرد. مدیر آن‌جا از دانش آموزانی که بیش از حد احساساتی بودند، چندان خوشش نمی‌آمد. بنابراین، کوشید تا شخصیت آندرسن را قوی کند. اکثر دانش آموزان دبیرستان بسیار جوان‌تر و کوچک‌تر از او بودند؛ آن‌ها تقریباً یازده ساله بودند و آندرسن شش سال بزرگ‌تر بود. کولین برای او آموزش خصوصی ترتیب داد. بعد اجازه یافت تا به «دانشگاه کپنهاگ» برود؛ جایی که آموزش خود را کامل کرد و تحصیلات دانشگاهی را به پایان رساند. با وجود این که امتحاناتش را در سال ۱۸۲۸ با موفقیت گذرانده بود، این سال‌ها برایش خوشایند نبود. در همین زمان بود که حرفه نوشتن را برگزید.

عروسکی<sup>(۷)</sup> راه بیندازد. از آن‌جا که تأثر او را وسوسه کرده بود، او نیز تلاش می‌کرد تا فعالیت‌های تأثری انجام دهد. البته در این کار توفیقی نیافت و آن‌چنان دچار مصیبت و درماندگی و ناداری شد که تا سرحد مرگ پیش رفت و نزدیک بود از گرسنگی بمیرد، اما ترحم و کمک دوستانش، او را از این مهلکه حتمی نجات داد. به اتکای منابع و امکانات مالی، طرح یک تأثر عروسکی را ریخت؛ لباس‌هایی برای عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی می‌دوخت و نمایش نامه‌هایی، به ویژه نمایش نامه‌های شکسپیر<sup>(۸)</sup> و هالبرگ<sup>(۹)</sup> را اقتباس می‌کرد و می‌خواند. بسیاری فکر می‌کردند که کسانی خیاطی را به او می‌آموزند، ولی در واقع خودش این کار را انجام می‌داد.

از طرفی، چون علاقه بسیاری داشت تا خواننده آپرا شود، تصمیم گرفت در چهارده سالگی، در جست‌وجوی شهرت و سعادت، به عنوان آوازخوان و هنرپیشه یا رقصنده، عازم «کپنهاگ»<sup>(۱۰)</sup> شود. چون ولگرد و بی‌خانمان و آواره بود و در کوچه‌ها به آوازخوانی می‌پرداخت، او را به خطا، احمق یا بیمار روانی تصور می‌کردند. تأثرها مرتب دست رد به سینه او می‌زدند. البته او صدای زیر دل‌نشینی داشت. مدتی سختی، دربه‌دری، بی‌پناهی و گرسنگی را به جان خرید. هر چند یارانی پیدا کرده بود که به او پول می‌دادند تا وارد تأثر شود، دوستی آندرسن با موسیقی‌دان وایزو<sup>(۱۱)</sup> و گولبرگ<sup>(۱۲)</sup> شاعر، وسیله‌ای شد تا او در «تأثر سلطنتی»<sup>(۱۳)</sup> دستیار رقصنده شود. اما وقتی صدایش شروع به تغییر کرد، به ناچار آن‌جا را باید ترک می‌گفت. البته وقتی اتفاقاً به او به عنوان شاعر اشاره کردند، عقیده‌اش را تغییر داد. او می‌گفت:

آندرسن در سال ۱۸۲۹، در ۲۵ سالگی گزارش کوتاه سفری را نوشت و منتشر کرد با عنوان «سفری پیاده از کانال «هولمن» تا منطقه شرقی آماگر»<sup>(۲۱)</sup> که داستانی «تخیلی»<sup>(۲۲)</sup>، به سبک نویسنده رمانتیک آلمانی هوفمان<sup>(۲۳)</sup> و برخی از نویسندگان قصه‌های کودکان بود. البته نوشته‌های آن‌ها بیش‌تر براساس ادبیات عامیانه و قومی اصیل بود. به دنبال آن در سال ۱۸۳۰، نخستین جلد مجموعه اشعارش را منتشر کرد. بعد «بچه محترز / در حال مرگ»<sup>(۲۴)</sup> را نشر داد و در پی آن «اثری طنزآمیز / هجوتامه‌ای»<sup>(۲۵)</sup>، به نام «پیاده‌روی تا آماک»<sup>(۲۶)</sup> را به چاپ سپرد که نقدهای تند و ناخوشایند و گزنده‌ای را به همراه داشت. در این زمان، دلباخته «ریبورگ فوکت»<sup>(۲۷)</sup> شد که نامزد «ادوارد»<sup>(۲۸)</sup>، پسر یوناس کولین بود. این هم مورد دیگری بود از رؤیاهای تحقق نیافتنی و ناممکن آندرسن.

پادشاه فردریک ششم، یک مقرری مسافرتی به او اعطا کرد. از سال ۱۸۳۱ به بعد، پیوسته به خارج از کشور، به ویژه دیگر کشورهای اروپایی سفر کرد و به راستی در بقیه دوران زندگانی‌اش، یک مسافر پرشور و مشتاق باقی ماند. آندرسن از کشورهای ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، بریتانیا (۲ بار)، پرتغال، سوئیس و آلمان دیدن کرد. دیدار از آلمان در همان سال ۱۸۳۱، «طرح‌های اولیه و خطوط کلی»<sup>(۲۹)</sup> سفرنامه‌هایش را به او الهام بخشید و سرانجام، پس از دو سال که از سیاحت‌ها و مسافرت‌های بی‌شمار بازگشت، آن قدر ذوق زده بود که نوشت: «سفر کردن، به خاطر زنده ماندن است.»

او گزارش‌های کوتاه و طرح‌ها و انگاره‌ها و برداشت‌ها و تأییراتی<sup>(۳۰)</sup> را که از کشورهای

اروپایی گرفته بود، به صورت سفرنامه‌هایی به رشته تحریر درآورد. «در اسپانیا / ۱۸۶۳»<sup>(۳۱)</sup> و «دیداری از پرتغال / ۱۸۶۶»<sup>(۳۲)</sup>، ره‌آورد این سفرها و دیدارهاست. البته گزارش‌های مختصری هم درباره «سوئد»، «ایتالیا»، «خاورمیانه»<sup>(۳۳)</sup> به نگارش درآورد. در حین این سفرها بود که در پایتخت فرانسه، پاریس، با ویکتور هوگو<sup>(۳۴)</sup> و نویسندگان دیگری چون هاینریش هاینه<sup>(۳۵)</sup>، بالزاک<sup>(۳۶)</sup> و الکساندر دوما<sup>(۳۷)</sup> دیدار کرد و چارلز دیکنز<sup>(۳۸)</sup> را هم در سال ۱۸۴۷، در لندن دید و کتاب «رؤیاهای روزانه یک شاعر»<sup>(۳۹)</sup> خود را به او پیشکش کرد.

به عنوان داستان‌نویس، اولین «زمان»<sup>(۴۰)</sup> او با نام «بداهه‌گو / حاضر جواب»<sup>(۴۱)</sup>، در سال ۳۶ / ۱۸۳۵، نقطه چرخش وی را در حرفه‌اش نشان داد. این اثر که سرگذشت شخصی خود آندرسن بود، او را به شهرت رساند. وی در این کتاب، «کشور ایتالیا» را به عنوان «رویدادگاه»<sup>(۴۲)</sup> انتخاب کرده بود. «زمان» در اصل، «زندگی‌نامه خود نوشت»<sup>(۴۳)</sup> او بود که «سازگاری و هماهنگی»<sup>(۴۴)</sup> پسرک فقیری را در جامعه به تصویر می‌کشید. این اثر موفقیت جهانی کسب کرد و در تمام مدت زندگی‌اش، بین همه آثارش، بیش‌ترین خواننده را داشت. همین «زمان» بود که براونینگ<sup>(۴۵)</sup> را بر آن داشت تا با شور و شوق بی‌حد، به همسرش درباره این داستان بنویسد و آخرین شعرش را اندک زمانی قبل از مرگش در سال ۱۸۶۱، به آندرسن تقدیم کند. از همین زمان و به خاطر همین کتاب بود که از او به عنوان «رمان‌نویس»<sup>(۴۶)</sup> و حتی «سفرنامه‌نویس»<sup>(۴۷)</sup> نام می‌بردند. منتقدانی که او را با عناوین و صفاتی چون «دمدمی»<sup>(۴۸)</sup>، «خودستا»<sup>(۴۹)</sup> و «نالایق»<sup>(۵۰)</sup> به ریشخند گرفته

بودند، اکنون نظر مساعدی نسبت به او داشتند. البته این نکته را باید در نظر داشت که شهرتِ آندرسن به خاطر «داستان‌ها»<sup>(۵۱)</sup> و «قصه‌های پریان» اوست که آن‌ها را بین سال‌های ۱۸۳۵ و ۱۸۷۲ نوشته است. اولین دوره کتاب «قصه‌های پریان» او، در سال ۱۸۳۵ در دسترس همگان قرار گرفت. دومین دوره آن، در سال‌های ۴۲-۱۸۳۸ انتشار یافت و سومین دوره آن، در سال ۱۸۴۵ به دست مشتاقان رسید. از آن جایی که این مجموعه مشتمل بر ۱۵۶ قصه بود، دیگر جلد‌های آن به طور نامنظم منتشر شد تا این‌که بالاخره، آخرین دوره‌های «قصه‌های پریان»، در یک سال و به دنبال هم از سال ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۲ چاپ و توزیع شد.

بعد از سختی‌ها، نامالیامات، دربه‌دری‌ها، بی‌خانمانی‌ها، رنج‌های طاقت‌سوز و توان‌فرسا و حقارت‌های تحمل‌ناپذیر و طعنه‌های اهانت‌آمیز و زخم‌زبان‌های گزنده و تمسخرهای خفت‌بار، سرشناس‌ترین پسر دانمارک، در سراسر جهان مورد تجلیل قرار گرفت. مردم «اسکاندیناوی»<sup>(۶۱)</sup>، از او تمجید و ستایش شایسته‌ای کردند و به مناسبت تولد «قصه‌های پریان»، جشن‌ها گرفتند.

آندرسن بی‌تردید، شهرت و اعتبار خود را مدیون «قصه‌های پریان» بود که آن‌ها را از سال ۱۸۳۵ تا سال ۱۸۷۲ نوشته و منتشر کرده بود. همین مجموعه و دیگر آثار او، بر نویسندگانی چون چارلز دیکنز، ویلیام تکرلی<sup>(۶۲)</sup>، اسکار وایلد<sup>(۶۳)</sup>، سی. اس. لوئیس<sup>(۶۴)</sup> و ایزاک دینس<sup>(۶۵)</sup> چنان اثر شگرفی گذاشت که به آسانی می‌توان رد پای این تأثیر و نفوذ را در برخی از آثار آن‌ها دید.

بین سال‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۵۷، آندرسن به سرتاسر دنیا سفر کرد؛ «آسیای صغیر»<sup>(۶۶)</sup> آفریقا، از جمله آن‌ها بود که تأثیرات و ماجراهایی را برای او در پی داشت که این واکنش و اثرگذاری را در «سفرنامه»<sup>(۶۷)</sup> هایش ثبت و ضبط کرده است. او در پیوندگاه دو دنیا - کهن و نو - زندگی کرد. آندرسن امور واقعی و خیالی را با استادی تمام در هم

در مجموعه «قصه‌های پریان» آندرسن، زمینه جدیدی را هم در سبک و هم در متن عرضه داشت و اصطلاحات و نظم و ترتیب و آرایش واژه‌های «زبان گفتاری»<sup>(۵۲)</sup> را به طریقی به کار گرفت که در ادبیات دانمارکی تازگی داشت. شناخت و آگاهی او از بدبختی و بی‌خانمانی، فقر و تهی‌دستی، درد و شوربختی آدمی و انعکاس آن‌ها در قصه‌هایش، مفهوم و مضمون‌شان را بسیار قانع‌کننده، گیرا و جذاب ساخته است. برخی از قصه‌های آندرسن، اعتقاد و باور خوش‌بینانه‌ای را در پیروزی خوبی‌ها بر بدی‌ها نشان می‌دهد؛ مانند «ملکه برف‌ها / برفی»<sup>(۵۳)</sup> و «جوجه اردک زشت»<sup>(۵۴)</sup> و بعضی هم پایان غم‌انگیز و تلخی دارند؛ چون «دخترک کبریت‌فروش»<sup>(۵۵)</sup> و «پری دریایی کوچولو»<sup>(۵۶)</sup> که نویسنده در آن‌ها، حسرت و آرزوی دستیابی به یک زندگی عادی و معمولی را بیان می‌کند که خودش هرگز تجربه نکرد. به هر صورت، او سرانجام «وسیله»<sup>(۵۷)</sup>

آمیخت. «قصه‌های پریان» او آمیزه‌ای است از طنز و امور خارق‌العاده. در اکثر آثار او، زندگی واقعی با تخیل چنان به هم گره خورده است که خواننده را به شگفتی وامی‌دارد؛ چرا که تفکیک این دو عنصر برای او بسیار دشوار است. تمام شخصیت‌های داستانی و قهرمانان آثار او، اعم از حیوانات، پرندگان، گیاهان، حتی باد و دریا و اشیا و... سخن می‌گویند. به واقع این سخن آن‌ها نیست که ما می‌خوانیم و می‌شنویم، بلکه در اصل خواسته‌ها، آمال، خصوصیات روحی و مسائل زندگی خود مردم است که با دقت و ظرافت خاصی، در گفته‌های‌شان تجلی یافته است.

آندرسن در دفتر خاطراتش، چنین نوشته است: «من همانند ام که همه چیز در آن انعکاس می‌یابد. اغلب این کار به من مسرت و موهبت می‌بخشد، ولی اوقاتی هم شکنجه و عذاب می‌دهد. راستی من چه موجود عجیبی هستم!»

سفر با دلبران، «جادو درمانی»<sup>(۶۸)</sup> و «اجرای نمایش‌های عمومی»<sup>(۶۹)</sup>، بخشی از جوانی‌اش بود. او می‌بایست به راه‌آهن و دیگر شگفتی‌های علمی، خوشامد بگوید. تمام اختراعات جدید، دنیای سحرآمیز او را وسعت بخشیدند. او توانست گذشته را با تأکید فراموش نشدنی به یاد آورد و زیبایی و جذابیت عوامل و شرایط دل‌پذیر کهن را که در عصر شتابان مدرن، هم‌چنان باقی مانده بودند، زنده نگه دارد.

آندرسن آن‌قدر زندگی کرد تا «شهر زادگاهش»<sup>(۷۰)</sup> - اودنسه - را که به افتخار او چراغانی شده بود، به چشم خود ببیند. ولی آن‌چه می‌دانست، فقط این بود که چه قدر شایسته است آدمی احساس کند که هم فروتن و متواضع است و هم تهی دست و فقیر. او بسیار حساس و متفکر بود. شاید این دو خصیصه از کودکی، از همان

زمانی که فقر و تنهایی به سراغ او آمده بود، در وجود او جوانه زد. بی‌گمان می‌توان گفت، بسیاری از آثار او، سرگذشت خود آندرسن است.

برای او منبع الهام همه جا وجود داشت. برای شکوفایی اندیشه‌هایش، دور را نمی‌نگریست. زمانی نوشت:

«داستان‌ها، چون بذره‌های گیاهان هستند که همه جا پاشیده شده‌اند. تمام چیزهایی که برای آن‌ها لازم و ضروری است تا یکباره به گل نشینند، نفس نسیمی، پرتوی از خورشید، یا اندکی تجربه تلخ است.»

البته شادی‌ها و اندوه‌ها، بی‌درنگ و به قدر کافی بر سر یک موجود «بی‌ثبات»<sup>(۷۱)</sup> آوار می‌شوند، اما داستان سلاح جادویی او بود؛ پاسخ شخصی او به زندگی.

برخی از «دوست داشتنی‌ترین»<sup>(۷۲)</sup> داستان‌هایش، همان‌هایی هستند که از «وضع اسفناک»<sup>(۷۳)</sup> موجودات درمانده، تنها، سرگردان و بی‌یاور، ولی در عین حال پاک‌دامن و بی‌گناه و ساده‌لوح، در جهانی خطرناک و سخت ظالمانه سخن می‌گویند. بین «قصه‌های پریان» او، پرطرفدارترین و محبوب‌ترین‌شان عبارتند از: «درخت صنوبر»<sup>(۷۴)</sup>، «ملکه برف‌ها»، «دخترک کبریت‌فروش»، «جوجه اردک زشت»، «سرباز قلعی شجاع»<sup>(۷۵)</sup>، «پری دریایی کوچولو»، «کفش‌های قرمز»<sup>(۷۶)</sup>، «قوهای وحشی»<sup>(۷۷)</sup>.

این‌ها آثار کلاسیک مشهوری هستند که کودکان و نوجوانان سرتاسر دنیا بسیار دوست‌شان دارند و با اشتیاق فراوان آن‌ها را می‌خوانند. اکثر قصه‌های آندرسن، به بیش از صد زبان ترجمه شده‌اند.

او زندگی‌نامه خود را که «قصه پری‌وار زندگی‌ام»<sup>(۷۸)</sup> نام داشت و نوشتن آن را از همان اوایل سال ۱۸۳۲ شروع کرده بود، به طور مرتب

کامل پریان»<sup>(۸۷)</sup> را منتشر کرد، بر این باور است که «قصه‌های پریان» او را بزرگسالان هم مانند کودکان دوست دارند. او می‌نویسد:

«زندگی خود (آندرسن) بخشی از «قصه پریان» است. پسر کفاش فقیری که به دنبال شهرت و محبوبیت، خانه را ترک می‌کند و سرانجام، معروف‌ترین پسر کشور دانمارک می‌شود. گرچه برخی از داستان‌هایش را از تاریخ، یا قصه‌های شفاهی عوام و ادبیات عامیانه توده مردم دانمارک اقتباس کرده است؛ بیش تر قصه‌ها از خلاقیت و استعداد و قریحه و ذوق خود او و نیز از تجربه‌های شخصی آندرسن، دوستان و دشمنانش تأثیر پذیرفته‌اند که به شکل‌های گوناگون و صورت‌های مختلف، حضور خود را نشان داده‌اند.»

وقتی در آخرین سال‌های پرافتخار زندگی‌اش، طرح مجسمه‌ای ملی را برای او می‌ریختند که در آن، عده‌ای کودک حلقه‌زنان به دور او جمع شده بودند، او با خشم به این طرح اعتراض کرد و در دفتر خاطراتش، چنین متذکر شد:

«قصه‌های پریان من، همان اندازه که متعلق به بچه‌هاست، به بزرگ‌ترها هم تعلق دارد. من به همه نسل‌ها وابسته‌ام.»

آثاری نظیر «کتاب‌های مصور بی‌تصویر»<sup>(۸۸)</sup>، «بازار یک شاعر»<sup>(۸۹)</sup>، «تنها یک نوازنده ویولن»<sup>(۹۰)</sup>، «لباس تازه امپراتور»<sup>(۹۱)</sup>، «قوطی آتشگیره»<sup>(۹۲)</sup>، «کلاوس کوچک و کلاوس بزرگ»<sup>(۹۳)</sup> و «خوک چران»<sup>(۹۴)</sup> او، مانند خود آندرسن، تا ابد زنده خواهند ماند.

#### منابع انگلیسی

- 1) The Columbia Encyclopedia  
Columbia university press (New york)  
1950
- 2) Every man's Encyclopedia (Twelve  
Volumes) (Volume One) (J. M Dent  
& Sons L T D) 1950

نوشت و بازنویسی کرد، ولی چاپ مطلوب و متعارف آن، همان است که در سال ۱۸۵۵ انتشار یافت. البته نویسنده‌ای چون سیگنه توکسویگ<sup>(۷۹)</sup>، شرح حال او را با نام «زندگی هانس کریستیان آندرسن»<sup>(۸۰)</sup> به رشته تحریر درآورد و سی. بی. برنیت / برنت<sup>(۸۱)</sup> نیز زندگی‌نامه او را با عنوان «پسر کفاش»<sup>(۸۲)</sup>، در سال (۴۳ / ۱۹۴۱) تألیف کرد. البته «زندگی‌نامه خود نوشت» او، با نام «سرگذشت زندگی من»<sup>(۸۳)</sup> که در سال ۱۸۵۵ منتشر شده بود، در سال ۱۸۷۱ به زبان انگلیسی ترجمه شد.

هانس کریستیان آندرسن، پس از بازگشت به وطن، بر اثر حادثه‌ای به شدت مجروح شد و سه سال بعد از این حادثه تلخ، در چهارم ماه اوت سال ۱۸۷۵، در هفتاد سالگی، در اوج افتخار و اشتهار، در منزل مسکونی‌اش در «کپنهاگ»، برای همیشه دیده از جهان فروبست.

شخص پادشاه دانمارک و بسیاری از شخصیت‌های شهیر ادبی و علمی و هنری، در مراسم تشییع جنازه او شرکت کردند.

ادوارد کولین و همسرش، بعداً در جوار آندرسن به خاک سپرده شدند؛ هرچند اعضای خانواده آن‌ها، «اجساد کولین‌ها» را پس از چند سال، به گورستان دیگری و به قطعه زمین خانوادگی انتقال دادند.

منتقد، نویسنده، پژوهشگر و کارشناس آثار آندرسن، خانم نیومی لوئیس<sup>(۸۴)</sup> که چندین جلد از داستان‌های کودکان، شامل مجموعه‌ای از «قصه‌های پریان» آندرسن و «برادران گریم»<sup>(۸۵)</sup> را ویرایش کرد و به چاپ رساند و گزیده‌ای از «ادبیات عروسکی»<sup>(۸۶)</sup> را هم انتشار داد، تعدادی از داستان‌های آندرسن را نیز ترجمه کرده است. وی که در سال ۱۹۷۴، «داستان‌ها و قصه‌های

(۱۷۳۱-۱۸۰۸)

13. Royal Theater
  14. Jonas Collin
  15. Scholor
  16. King Frederick VI
  17. State Protege
  18. Public expense
  19. grammar school
  20. Slagelse
  21. A Journey On foot from the Holmen Canal to the Eastern point of Amager
  22. Fantasy / Fantastic
  23. Hoffman (Ernst Theodore "Amadeus" Wilhelm)
- ارنست تئودور آمادئوس ویلهلم هوفمان: آهنگساز، منتقد موسیقی، تصویرگر و نویسنده ادبیات تخیلی (۱۷۷۶-۱۸۲۲)

24. The Dying Child
25. Satire
26. A walk to A mark
27. Riborg Voight
28. Edvard
29. Sketches
30. impressions
31. In Spain
32. A visit to Portugal
33. the Middle East
34. Victor Hugo

35. Heinrich Heine (۱۷۹۷-۱۸۵۶) شاعر آلمانی
36. Balzac (Honore de) اوتوره دو بالزاک، ژمان نویسنده فرانسوی (۱۷۹۹-۱۸۵۰)
37. Alexandre Dumas نویسنده فرانسوی (۱۸۰۲-۱۸۷۰)
38. charles Dickens رمان نویسنده انگلیسی (۱۸۱۲-۱۸۷۰)
39. A Poet's Day Dreams
40. Novel
41. The Improvisatore (Improvvisatoren)
42. Setting (زمینه/صحنه/مکان و زمان رویداد)
43. autobiography
44. integration
45. Browning (Elizabeth. Barrett) الیزابت. بارت. براونینگ: شاعره انگلیسی (۱۸۰۶-۱۸۶۱)

- 3) The Oxford Reference Dictionary Edited By Joyce M. Hawkins 1989
- 4) The New Universal Family Encyclopedia Random House 1985
- 5) Hans Andersen's Fairy Tales (A selectin) Oxford University press With An Introduction by Naomi Lewis 1984
- 6) English Literary Biographies (Vol.1) Hamid Dolatkahh 1381
- 7) Webster's Biographical Dictionary G & C. Merriam Company 1980

پی نوشت

1. Children's story-teller
2. Odense شهری بندری در جنوب دانمارک، واقع در شمال جزیره «فین».
3. Funen (fyn) دومین جزیره بزرگ دانمارک که از نظر ماهیگیری اهمیت فراوان دارد.
4. foilklore literature
5. half-sister
6. Fairy Tales
7. Puppet
8. Shakes peare (William) ویلیام شکسپیر: شاعر و نمایش نامه نویسنده انگلیسی (۱۶۱۵-۵۶۴)
9. Holberg (Ludwig/Ludvig) لودویگ / لودوی هالبرگ: ادیب و پدیدآورنده ادبیات مدرن دانمارک (۱۶۴۸-۱۷۵۴)
10. Copen hagen کوپن هیگن / کوپنهاگن: پایتخت کشور دانمارک.
11. Weyse (Christoph-Ernst) کریستف ارنست: آهنگساز نمایش نامه. متولد سال ۱۷۷۴ در «آلتونا»، بخشی از شهر هامبورگ آلمان که در سال ۱۸۴۲ در «کپنهاگ» دانمارک درگذشت.
12. Guldberg (Ove Hoegh) اوو هوگ گولبرگ: ادیب و سیاستمدار دانمارکی

67. travel book  
 68. Witch-doctoring  
 69. Public executions  
 70. native-town  
 71. mercurial  
 72. best-loved  
 73. Plight  
 74. The Fir Tree  
 75. The Brave Tin-soldier  
 76. The Red Shoes  
 77. The Wild Swans  
 78. The Fairy Tale of My Life  
 79. Signe Toksvig  
 80. The Life of Hans Christian Andersen  
 81. C. B. Burnett  
 82. The Shoe maker's Son  
 83. The Story of My Life  
 84. Namoi Lewis  
 85. the brothers Grimm: Jakob (Ludwig) Karl  
 یا کوپ لودویگ کارل گریم (۱۷۸۵-۱۸۶۳)  
 Wilhelm (Karl)  
 ویلهلم کارل گریم (۱۷۸۶-۱۸۵۹) دو برادر  
 زبان‌شناس آلمانی که با هم قصه‌های شفاهی و قومی و  
 مردمی آلمان را گردآوری و تدوین کردند.
86. doll literature  
 87. The Complete Fairy Tales and Stories  
 88. Pictures books without Pictures  
 89. A Poet's Bazaar  
 90. Only a Fiddler  
 91. The Emperor's New Clothes  
 92. The Tindor-box  
 93. Little Claus and BigClaus  
 94. The Swine eherd
46. novelist  
 47. travel-writer  
 48. temperamental  
 49. egotistical  
 50. ineffectual  
 51. Stories  
 52. Spoken language  
 53. The Snow Queen  
 54. The Ugly Duckling  
 55. The Little Match Girl  
 56. The Little Mermaid  
 57. medium  
 58. expression  
 59. genius  
 60. best-known  
 61. Scandinavia  
 شامل کشورهای نروژ، سوئد، دانمارک و فنلاند
62. William Thackeray  
 زمان‌نویس انگلیسی (۱۸۱۱-۱۸۶۳)
63. Oscar Wilde  
 نویسنده انگلیسی ایرلندی تبار (۱۸۵۴-۱۹۰۰)
64. C. S. Lewis [c (live), s (taples)]  
 کلایو. استیپلز. لوئیس: منتقد و محقق انگلیسی.  
 نویسنده ادبیات کودکان و داستان‌های علمی-تخیلی
65. Isak Dinesen  
 خانم نویسنده متولد دانمارک که به انگلیسی می‌نوشت  
 (۱۸۸۵-۱۹۶۲).
66. Asia Minor  
 آسیای صغیر که به آن «آناتولی» هم می‌گویند. شبه  
 جزیره‌ای است در غرب آسیا که بین دریای سیاه (در  
 شمال)، دریای مدیترانه (در جنوب) و دریای اژه (در  
 غرب) قرار دارد و قسمت اعظم «ترکیه آسیا» را شامل  
 می‌شود.